

جاویدان خرد و خردنامه

احمد تفضلی*

به یاد شادروان علامه دکتر عباس زریاب که خود خرد جاویدان بود.

مجموعه‌ای از اندرزهای پهلوی در کتابی به نام جاویدان خرد گرد آمده بود که امروز در دست نیست. ابن مسکویه^۱ (متوفی ۴۲۱) در این باره می‌نویسد که در روزگار جوانی نام آن را در کتابی از جاحظ (۱۵۰-۲۵۵) موسوم به استطالة الفهم دیده و همواره در پی به دست آوردن آن بوده است تا سرانجام آن را در فارس در نزد موبدان موبد یافته است. به قول وی آن کتاب «وصیت هوشنگ به پسرش و پادشاهان بعدی» را در برداشته است. ابن مسکویه ترجمه عربی آن را در آغاز کتاب خود که آن را از روی کتاب مذکور، جاویدان خرد نامیده، نقل کرده ولی احتمالاً آنچه وی در نزد موبدان موبد فارس دیده، متن پهلوی آن بوده است. پس از نقل «وصیت هوشنگ» همین نویسنده سرگذشت افسانه آمیز کشف اصل پهلوی کتاب را به روایت از جاحظ و او به نقل از واقدی در همان کتاب نامبرده

* دکتر احمد تفضلی استاد دانشگاه تهران.

۱. مسکویه، احمد بن محمد، جاویدان خرد (الحکمة الخالده)، چاپ عبدالرحمن بدوی، قاهره

آورده است^۱ عین همین مطلب را، باز هم به روایت واقدی، طرطوشی^۲ (متوفی ۵۲۰) نقل کرده است. بنابراین روایت، مردی به نام ذویان^۳ از حکمای کابل که از وجود این کتاب در میان خزائن ایوان مدائن مطلع بوده از مأمون (۱۹۸-۲۱۸) خواسته است که آن را بدو ببخشد. به دستور خلیفه و به راهنمایی ذویان آن را که صد برگ داشته و در جعبه‌ای زیر خاک مدفون بوده است، بیرون آوردند. ذویان آن را مجموعه‌ای از حکمت باستان وصف می‌کند که «گنجور وزیر شاه ایران‌شهر»^۴ از حکمت باستان^۵ گرد آورده بود.^۶ به خواهش حسن بن سهل برادر فضل بن سهل ذوالریاستین، خضر بن علی مترجم آثار پهلوی به عربی سی برگ آن را به عربی ترجمه کرد و ظاهراً همین

۱. همان، ص ۱۸-۲۲.

۲. طرطوشی، محمد بن الولید، سراج الملوک، قاهره، ۱۳۵۴/۱۹۳۵، ص ۳۶۰ - ۳۶۱.

۳. به نظر می‌رسد این نام که ظاهراً ایرانی است، تصحیف شده باشد.

۴. در متن عربی چاپ بدوی، ص ۲۰: «گنجور وزیر ملک ایران‌شهر»، و به همین صورت در طرطوشی، ص ۳۶۱. در عنوان نسخه‌ای که عبدالعزیز الیمینی الراجکوتی الهندی منتشر کرده و محمد کردعلی نیز در رسائل البلقاء، قاهره ۱۳۷۴/۱۹۵۴، ص ۴۶۹ تا ۴۸۲، آن را نقل کرده، «گنجور وزیر ملک ایران‌شهر» آمده است. نیز نگاه کنید به: محمد محمدی، فرهنگ ایرانی پیش از اسلام، تهران ۱۳۵۶ ش، ص ۳۳۸. در کتاب بیان‌الشرع، تألیف محمد بن ابراهیم الکتندی، چاپ احمد بن حمد الخلیلی، عمان ۱۴۰۵/۱۹۸۴، ج ۵، ص ۱۵۶، این نام به صورت «حاویرا بن جرد بن سعید یازمانک ابوان شهر» آمده که تصحیف جاویدان خرد [گنجور] بن اسفندیار [وزیر] ملک ایران شهر است.

۵. در متن عربی جاویدان خرد، چاپ بدوی، ص ۲۰، من الحکمة القدیمة. در جای دیگر «حکمت قدیمة» آمده است (مسکویه، احمد بن محمد، جاویدان خرد، ترجمه شرف‌الدین عثمان محمد قزوینی. چاپ محمد تقی دانش پژوه، تهران ۱۳۵۹ ش، ص ۲۱). در عنوان نسخه‌ای که کردعلی چاپ کرده است عبارت: «نقله من اللسان‌القدیم الی اللسان‌الفارسی» آمده است (همان، ص ۴۶۹). اما در بعضی نسخه‌های عربی به جای آن «من اللسان‌الفهلوی» ذکر شده است. نگاه کنید به: چاپ، جاویدان خرد، سید محمد کاظم امام، تهران [۱۳۵۰ ش]، ص ۳۷. منظور از فارسی، فارسی میانه یا پهلوی است.

۶. در متن عربی جاویدان خرد، چاپ بدوی، ص ۲۰ و همچنین در چاپ کرد علی، ص ۴۷۹، کلمه «أخرجه» و در روایت طرطوشی، ص ۳۶۱، کلمه «تألیف» به کار رفته است. در ترجمه فارسی قزوینی، ص ۲۱، فعل «بیرون آورده» و در ترجمه محمد حسین بن حاجی شمس‌الدین درویش فانی از جاویدان خرد، بمبئی ۱۲۹۴، ص ۲۲، «استخراج کرده» آمده است.

ترجمه را جاحظ در کتاب نامبرده خود نقل کرده بوده است و از اینروست که ارجانی شوشتری^۱ در ترجمه فارسی خود جاحظ را «جامع جاویدان خرد» دانسته است. چنین می‌نماید که ابن مسکویه همین ترجمه وصیت هوشنگ را در کتاب خود آورده است، زیرا در پایان آن، سرگذشت کتاب را آورده و به دنبال آن نصایح دیگری را از حکما و شاهان ایران مانند آذرباد^۲ ص ۲۶، بزرگمهر (ص ۲۹، ۳۷، ۴۱، ۴۵)، قباد (ص ۴۱)، انوشروان (ص ۴۹)، هرمز (ص ۶۶)، بهمن (ص ۶۱)، جمشید (ص ۶۵)، یا به طور کلی از «قدماء فرس» (ص ۶۴) یا وصیه‌للفرس (ص ۷۴) یا حکیمی ایرانی (ص ۶۷ و ۸۷)، از منابع دیگر، ذکر کرده است که منبع اصلی بعضی از آنها به پهلوی در دست است مانند اندرزهای آذرباد،^۳ اندرز بزرگمهر،^۴ پندهای ذکر شده در پندنامه یا وصایای هوشنگ از نوع پندهای تجربی و عملی است و نه از نوع پندهای دینی. ترجمه عربی جاویدان خرد را نویسندگان کتب ادب و اخلاق بخوبی می‌شناخته و از آن نقل قول کرده‌اند. راغب اصفهانی (متوفی میان ۳۹۶ تا ۴۰۱) از این کتاب با عنوان کتاب جاودان یاد کرده و مطالبی را از آن آورده است.^۵ عامری (متوفی ۳۸۱)^۶ آن را از بهترین کتابهای ایرانیان به شمار آورده و از آن چند جمله‌ای را نقل کرده است.^۷ طرطوشی^۸ نیز دو عبارت از آن را،

۱. مسکویه، احمد بن محمد، جاویدان خرد، ترجمه تقی‌الدین محمد ارجانی شوشتری، چاپ بهروز ثروتیان، تهران ۱۳۵۵ ش، ص ۳۴.
۲. همان آذرباد مهر سپندان است. در این باره نگاه کنید به: دانشنامه ایران و اسلام، «آذرباد مهر سپندان» (نوشته احمد تفضلی)، تهران ۱۳۵۴ ش، ج ۱، ص ۴۷-۴۸.
۳. جاویدان خرد، چاپ بدوی، ص ۲۶ تا ۲۸ و ۶۷. ۴. همان، ص ۲۹ تا ۳۶.
۵. محاضرات الادباء و مجاورات الشعراء البغاه، بیروت ۱۹۶۱، ج ۳ و ۴، ص ۷۰۰ و نیز ترجمه فارسی آن با عنوان نوادر، ترجمه محمد صالح قزوینی، چاپ احمد مجاهد، تهران ۱۳۷۱ ش، ص ۴۲۳، این مطالب برابر است با آنچه در جاویدان خرد، چاپ بدران، ص ۹ سطر ۱۲ تا ۱۸ آمده است.
۶. عامری، محمد بن یوسف، السعادة والاسعاد، چاپ مجتبی مینوی، تهران ۱۳۳۶ ش، ص ۳۲۰.
۷. همان، ص ۲۹۶ (که برابر است با جاویدان خرد، چاپ بدران، ص ۹ سطر ۸)، ص ۳۲۱ (قیاس کنید با جاویدان خرد، ص ۹ سطر ۳) و ۴۲۲ (برابر با جاویدان خرد، ص ۹ س ۹) چاپ بدوی.
۸. طرطوشی، ص ۳۵۸. این عبارات همان عبارات منقول در السعادة والاسعاد است و برابر است با آنچه در جاویدان خرد، چاپ بدوی، ص ۹ س ۴ و ۸ آمده است.

یکی به نقل از حسن بن سهل و دیگری را به نقل از خضر بن علی آورده و نوشته است که جاویدان خرد از نظر ایرانیان از کتب گرانقدر است از قول کندی^۱ همه رساله جاویدان خرد در کتاب بیان الشرع نقل شده است. بخشهایی از ترجمه عربی خضر بن علی منقول در استطالة الفهم جاحظ یا منقول در جاویدان خرد ابن مسکویه را مؤلف ناشناخته خرد نامه (احتمالاً تألیف شده در قرن پنجم)^۲، زیر عنوان «نکته‌های کتاب جاویدان خرد» به فارسی برگردانیده است.^۳ این ترجمه، قدیمترین ترجمه فارسی از پندنامه هوشنگ یا جاویدان خرد است. برای نمونه چند جمله از این ترجمه فارسی را که اقدام بر ترجمه قزوینی^۴ و ارجانی^۵ و درویش فانی^۶ است با معادل عربی آنها^۷ برای مقایسه می‌آوریم. این ترجمه به مراتب دقیقتر و به متن عربی نزدیکتر و در مقایسه با ترجمه‌های دیگر فارسی که دارای حشو و زواید است، فصیحتر است. این چند جمله شباهت آنها را با اندرزهای بازمانده از زبان پهلوی بخوبی نشان می‌دهد.

«هرکه آغاز نعمت‌ها بشناسد سپاس داری کند»

(من عرف الابتداء شکر). «علوم انسانی و مطالعات فرهنگی»

«و هرکه عاقبت بشناسد کار به اخلاص کند»

(من عرف الانتهاء أخلص).

۱. کندی، ج ۵، ص ۱۵۶ - ۱۶۵.

۲. درباره خردنامه نگاه کنید به: مجتبی مینوی، «از خزائن ترکیه»، مجله دانشکده ادبیات تهران، سال ۴، ش ۲، ۱۳۳۵ ش، ص ۵۸ - ۷۰. متن خردنامه در تهران ۱۳۶۷ ش، چاپ منصور ثروت، منتشر شده است. این در مجموعه‌ای آمده است که در سال ۵۷۴ کتابت شده است. به تشخیص مینوی، ص ۵۸. «غالب فقرات و فصول آن تعلق به قرن چهارم یا پنجم هجری دارد».

۳. خرد نامه، ص ۷۸ تا ۸۰.

۴. تألیف شده میان ۶۲۵ - ۶۵۸. نگاه کنید به: جاویدان خرد، ترجمه محمد قزوینی، ص ۳ به بعد.

۵. جاویدان خرد، ترجمه شوشتری، ص ۷ به بعد. ۶. همان، ص ۲۵ به بعد.

۷. جاویدان خرد، چاپ بدوی، ص ۶ به بعد.

«و هر که بداند که توفیق از کرامت خدای است - جل و عز- با خضوع
اشد» (و من عرف التوفیق خضع).

«و بداند که بهترین عطاء ایزد تعالی هر بنده را حکمت است»
(فان أفضل ما أعطی العبد فی الدنیا بالحکمة).

«و بهترین عطا، مردم را از خویشتن، پند پذیرفتن و انصاف دادن است»
(و أفضل ما أعطی فی نفسه الموعظة).

«و بهترین چیزی که بنده از خدای تعالی بخواهد عافیت است»
(و أفضل ما سأل العبد العافیة).

«و بهترین چیزی که بنده بر زبان براند، گواهی دادن است به وحدانیت عز
و جل» (و أفضل ما قال كلمة التوحید).

«و پاکی دل نگاه داشتن است از حسد»

(و سلامة الصدر بامانة الحسد).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی